

ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری  
صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

مدیر مسئول: محسن مهدیان  
سر دبیر: دانیال معمار

با تشکر از: جواد عزیزی، الهه فراهانی و فغانه احدی

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی  
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، سعید غفوری و امید روشنگر  
ویرایش عکس: کامیاب نویدی، ویرایش: فرهاد غلامرضایی، فاطمه ناصری آلاشتی

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶  
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۲۳  
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، رسید به پارک کوی، کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

همشهری

گروه ضمایم همشهری ناشر نشریات:  
دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،  
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،  
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهر نگار،  
سرخ و محله

همشهری

قتل زن جوان

معمای  
شماره ۲۳

معمای  
پلیسی



پاسخ‌هایتان را از طریق پیامک  
به شماره ۳۰۰۹۹۹۰۱ ارسال  
کنید. به ۳ نفر از افرادی که  
پاسخ درست ارسال کرده  
باشند به قید قرعه کارت هدیه  
۵۰۰ هزار تومانی اهدا می‌شود.

پاسخ معمای شماره ۲۲

متهم به قربانیان می‌گفت که جان‌شان دست  
خودشان است و به شانس‌شان بستگی دارد.  
جلوی‌شان ۲ قرص می‌گذاشت و می‌گفت  
یکی را انتخاب کنید. وانمود می‌کرد که  
یکی از قرص‌ها بی‌ضرر و قرص دوم  
سمی است و اگر قرص بی‌ضرر را  
انتخاب کنید و بخورند زنده بمانند،  
آزاد می‌شوند. یک قرص را آنها  
می‌خوردند و قرص دوم را خودش  
می‌خورد اما همیشه آنها بودند که  
بعد از خوردن قرص جان‌شان را از  
دست می‌دادند. به این دلیل بود که  
هر دو قرص بی‌ضرر بودند و آبی که  
به قربانیان می‌داد مسموم بود و باعث  
مرگ‌شان می‌شد نه قرص‌ها.

برندگان معمای جنایی شماره ۲۲

۰۹۱۲\*۰۹۶۷۸  
۰۹۱۳\*۰۰۷۵  
۰۹۹۳\*۰۶۸۴۸  
برنده کارت هدیه  
۵۰۰ هزار تومانی  
شدند.

چه کسی مریم را به قتل رسانده است.  
نگار می‌گفت آن زمان در آشپزخانه در حال آشپزی بوده و هیچ صدای مشکوکی  
نشنیده است و وقتی که از آنجا خارج شده متوجه قتل مریم شده است. او نخستین  
نفری بود که جنازه را دیده و با سر و صدایش بقیه خبردار شده و ماجرا را به پلیس  
گزارش کرده بودند.

فرزام به مأموران گفت زمان حادثه در انتهای حیاط مشغول آبیاری  
باغچه بوده است. او هم می‌گفت آن زمان هیچ غریبه‌ای را  
که وارد خانه شده باشد ندیده و برایش عجیب است  
که مریم چطور به قتل رسیده است.

افسر پرونده وقتی این اطلاعات را ثبت کرد با  
عجله به اداره پلیس برگشت و همه چیز را برای  
کارآگاه تعریف کرد. بعد از آن بود که کارآگاه  
به او گفت که عامل جنایت روزبه است. در این  
شرایط بود که افسر پرونده بار دیگر به آنجا  
برگشت و این بار روزبه را به اتهام قتل بازداشت  
کرد. به نظر شما کارآگاه به چه دلیلی متوجه  
شد که روزبه این قتل را مرتکب شده است و چرا  
او بازداشت شد؟

چند روز قبل به پلیس خبر رسید که زن جوانی به نام مریم در خانه‌اش در یکی از مناطق  
شمال شهر به قتل رسیده است. زمانی که مأموران به محل حادثه رسیدند ساعتی از  
قتل گذشته بود. عامل این جنایت با ضرب و چاقو جان قربانی‌اش را گرفته بود اما هنوز  
به درستی معلوم نبود که قاتل چه کسی است. کارآگاهان در بررسی صحنه جنایت پی  
بردند که از خانه مقتول سرقت و مقداری دلار و طلا دزدیده شده است. در این شرایط  
بود که جسد به پزشکی قانونی منتقل و تحقیقات برای رازگشایی از این معمای جنایی  
آغاز شد. کارآگاهان در ادامه بررسی‌های خود دست به تحقیقات میدانی زدند اما  
نتوانستند هیچ سرخ قابل اعتنایی به دست آورند. هیچ کدام از همسایه‌ها از خانه مقتول  
صدای درگیری نشنیده و هیچ کدام متوجه رفت‌وآمد مشکوکی به آنجا نشده بودند.  
از سوی دیگر دوربین‌های مداربسته‌ای که در نزدیکی خانه مریم قرار داشت نیز مورد  
مشکوکی را ثبت نکرده بود و همین نکات شناسایی قاتل را دشوار می‌کرد. با وجود این  
تحقیقات در شاخه‌های مختلفی ادامه پیدا کرد.

کارآگاهان چند روز بعد بار دیگر به محل وقوع جنایت بازگشتند و این بار به تحقیق  
از نزدیکان مریم پرداختند و اطلاعات تازه‌تری به دست آوردند. مریم صبح جمعه به  
قتل رسیده بود. این بار پلیس به اطلاعاتی دست پیدا کرد که در نهایت به شناسایی  
متهم عامل جنایت منجر شد.

روزبه گفت هنگام وقوع جنایت در حال دریافت نامه از پستی بوده و از ماجرا  
اطلاعی نداشته است.  
پروانه گفت زمانی که این اتفاق افتاده او در حال شستن لباس‌ها بوده و نمی‌داند

بازنده

می‌دهد. داستان این رمان از مهمانی شام دو زوج که  
در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند شروع می‌شود  
و در همان فصل‌های ابتدایی با نخستین اتفاق مواجه  
می‌شویم: نوزاد آنه و مارکو روبرو می‌شود. اما این تنها  
اتفاق تکان‌دهنده داستان نیست؛ رمان با ورود پلیس و  
تحقیقات آنها پیش می‌رود و در این میان پرده از رازها،  
فریب‌ها و دروغ‌هایی که بین زوج‌های همسایه وجود داشته  
برداشته می‌شود. کتاب «زن همسایه» اثری از شاری لاپنا،  
رمانی در سبک جنایی، معمایی و دلهره‌آور است که در  
سال ۲۰۱۶ منتشر شد. این رمان که از پرفروش‌های  
نیویورک تایمز و ساندی تایمز بوده، برنده جوایز و عناوینی  
مانند «کتاب سال WHSmith» در سال ۲۰۱۶، «عنوان  
شماره یک داستان بزرگسالان در بریتانیا» در سال ۲۰۱۷  
و «پرفروش‌ترین کتاب» در چند فهرست و جایزه کتاب  
کانادا و بریتانیا شده است. کتاب زن همسایه را نشر آموت  
با ترجمه عباس زارعی به فارسی برگردانده است. بخش  
سریال بازنده به تازگی آغاز شده و قرار است در قسمت‌های  
بعدی مخاطبان غافلگیر شوند.

«بازنده» سریالی است که به تازگی از  
شبکه خانگی پخش می‌شود و در همین  
مدت کوتاه توانسته مخاطبان زیادی  
پیدا کند. امین حسین پور، نویسنده و  
کارگردان سریال است و در این اثر معمایی او، کارآگاه  
کیانی، درگیر پرونده‌ای پیچیده می‌شود که رازهای  
بزرگی از یک خانواده را برملا می‌کند. آنطور که پیداست ما  
با سریالی جنایی و رازآلود طرفیم که قرار است یک پلیس،  
راز این ماجرا را به دست آورد.

بازنده اما اثری است که با اقتباس از یک رمان ساخته  
شده. رمان «زن همسایه» نوشته شاری لاپنا یک  
اثر جنایی و معمایی است که روایتی دلهره‌آور دارد و امین  
حسین پور تلاش کرده است استخوان و اسکلت اثر خود  
را بر پایه این رمان که از آثار برگزیده سال ۲۰۱۶ است،  
بنا کند.

عنوان فرعی «تقریباً هر کاری از آدم‌ها برمی‌آید»  
که روی جلد کتاب «زن همسایه» نقش بسته است،  
نویید یک داستان هیجان‌انگیز و جنایی را به خواننده

سریال  
جنایی

پرونده‌های راکد

علی‌الله سلیمی، روزنامه‌نگار: کتاب «پرونده‌های  
راکد» نوشته سایمون سنت جیمز، با ترجمه یاسمن  
ثانوی، اثری جنایی و معمایی است که از سوی نشر  
نون منتشر شده و به یک موضوع پیچیده جنایی



معرفی  
کتاب

می‌پردازد. این کتاب، ماجرای یک وبلاگ‌نویس جنایی را روایت می‌کند که با  
سرک کشیدن در پرونده‌های مخومه سعی دارد راز آنها را افشا کند. به همین خاطر  
سراغ قتل می‌رود که ۴۰ سال پیش رخ داده اما هنوز قاتل واقعی آن به دام پلیس  
نیفتاده است. مخاطب در نخستین برخورد با شخصیت «شی کیالینز» هرگز  
تصورش را هم نمی‌کند که این منشی ساده در زمینه وبلاگ‌نویسی در مورد قتل‌ها  
و رخدادهای جنایی تا چه حد خبره باشد. او در وبلاگ خود از پرونده‌های رازآلود  
گذشته می‌نویسد؛ پرونده‌هایی که به هر دلیلی مخومه اعلام شده و دیگر کسی  
سراغ آنها را نمی‌گیرد. البته علاقه فراوان شی به اخبار جنایی در کودکی او ریشه  
دارد؛ یعنی زمانی که موفق می‌شود از جنگال یک آدم‌ربا فرار کند و خود را نجات  
بدهد. او حالا به‌طور غیررسمی به جست‌وجو درباره جنایت‌های سال‌های گذشته  
مشغول شده و این بار قرار است سری به پرونده «بث گری» بزند. ریشه ماجرای تازه  
به آنجا برمی‌گردد که در سال ۱۹۷۷ دو مرد به‌طور ناگهانی به قتل می‌رسند. اخبار  
این جنایت تا مدت‌ها مردم شهر اورگان را در حیرت فرو می‌برد. نکته قابل توجه  
این است که هر دوی قتل‌ها توسط یک



زن انجام شده بودند. بث گری به‌عنوان  
مظنون پرونده راهی دادگاه می‌شود اما  
از آنجا جان سالم به درمی‌برد. دادگاه  
حکم به تبرئه او می‌دهد و بث در انزوا  
و گوشه‌گیری به زندگی‌اش ادامه  
می‌دهد. ملاقات او با شی باعث می‌شود  
که این وبلاگ‌نویس ماجراجو فکری به  
ذهنش خطور کند. چه می‌شود اگر  
بتواند از طریق مصاحبه با بث به اسرار  
قتل دو مرد پی ببرد؟ در کمال ناباوری،  
بث هم می‌پذیرد که با او گفت‌وگو کند  
و اینگونه رفت‌وآمد شی به عمارت بث  
آغاز می‌شود.

